احكام حجاب و پوشش اسلامى

محمدباقر شريعتى سبزوارى

اصل حجاب مربوط به احكام ويژه بانوان است و اتكاى آن, بر تفاوت هاى طبيعى و ساختارى زن و مرد استوار مى باشد. غربى ها به دليل اين كه اصل عدم توجه به جنسيت در تقسيم كار را محور تمدن و عامل پيشرفت دانسته اند, تحليل درستى از حجاب و فرهنگ آن ندارند; از اين رو زنان را بين گزينش انسانيت محورى در محيط كار, و يا مرد محورى و ابزار جذّاب بودن براى خوشايند مردان, مردد ساخته اند, و در نتيجه به جدايى آنان از ارزش ها منجر گرديده است.

در جوامع اسلامى, بر اثر تأثير متقابل فرهنگ ها, شاهد كاهش كيفيت حجاب هستيم. اين پوشش اسلامى با اين كه به حسب ظاهر, بار سياسى ندارد, ولى بر خلاف انتظار, ديروز و امروز در معرض شديدترين حملات قرار گرفته است. هر از چند گاهى در كشورهاى غربى قانونى بر ضد آن به تصويب مى رسد و زنان و دختران به جرم پوشش اسلامى از تحصيلات دانشگاهى ممنوع مى شوند. آنان مانند مزدورانى چون آتاتورك و رضا خان به كشف حجاب اجبارى دست نمى زنند تا با واكنش مردم مواجه شوند, ليكن با تصويب چنين قوانين ضد انسانى و ضد آزادى, حلقه محاصره را بر زنان با حجاب تنگ تر ساخته تا در نهايت خود, حجاب را بر دارند و هم رنگ زنان جوامع غربى گردند. شايسته است ملت هاى اسلامى در مقابل اين نوع تهاجم فرهنگى از خواب غفلت بيدار شده و موضوع حجاب را عميق تر از گذشته بازنگرى نمايند.

پيشينه حجاب

پوشش دينى بانوان, از اختراعات آيين اسلامى نيست, بلكه ريشه در تاريخ دارد. به گفته ويل دورانت: (قوم يهود و ايرانيان قديم, حجاب را براى بانوان يك نوع كرامت و شرافت, و از واجبات دينى مى دانستند).1 اما اسلام, پوشش و حجاب را براى شبه جزيره عربستان به ارمغان آورد.

هم اكنون در اسراييل, بسيارى از بانوان قوم يهود با پوشش كامل به مدرسه و دانشگاه مى روند, ولى در فرانسه و تركيه, به جرم داشتن حجاب, زنان از تحصيل باز داشته مى شوند; در حالى كه از نظر منشور جهانى, هر انسانى در اتخاذ عقيده, شغل, مسكن و نوع لباس, آزاد است. هر كشورى لباس ملى خاصى دارد كه هر انسانى حرمت آن را پاس مى دارد و كسى حق تعرض و مزاحمت ندارد. متأسفانه برخى از جوانان ساده لوح كشورهاى اسلامى, بر اثر تهاجم فرهنگى, به جاى لباس مردانه, لباس زنانه مى پوشند, موهاى بلند خود را مى بافند و به پشت سر مى آويزند, ريش ستارى مى گذارند يا موهاى بتيلى براى خود درست مى كنند, قيافه هيپى گرانه به خود مى گيرند و يا محاسن قيطانى شبيه تركمن ها براى خود مى سازند و آزادانه در كوى و برزن, اندام آن چنانى خويش را به نمايش مى گذارند و احدى متعرض آنان نمى شود, در حالى كه برخى از حكومت هاى غربى, چادر و يا پوشش اسلامى را كه هيچ گونه ضرر و زيانى ندارد, بر نمى تابند; اما در مقابل, برهنگى و خود آرايى زنان را كه باعث تهييج شهوات و ناهنجارى هاى اجتماعى و اخلاقى و ناامنى هاست, مورد تشويق قرار مى دهند. بى بند و بارى و مفاسد اخلاقى و جنسى در اين كشورها به حدى است كه برخى از دختران غربى, براى حفظ امنيت خود, به سياه پوستان پناه مى برند.

در اين ميان, آنچه از همه عجيب تر مى نمايد, موضع مفتى الازهر مصرى است كه به جاى دفاع از اين حكم ضرورى و اجتماعى مسلمان ها, هم صدا با غربيان به نفى حجاب مى پردازد. اين گونه رفتارهاى متناقض ما را بر آن داشت تا در اين شماره, مسئله حجاب اسلامى را مورد بازنگرى قرار دهيم.

حجاب و پوشش اسلامى

واژه حجاب و مشتقّات آن, هفت بار در قرآن كريم تكرار شده و در تمام موارد, به معناى پرده و مانع است. قرآن كريم مى فرمايد: (فاسئلوهن ّ من وراء حجاب;2 اگر از زنان پيامبر چيزى خواستيد, از پشت پرده بخواهيد. )

حجاب از نظر لغت, در معانى گوناگونى به كار رفته است:

1 ـ پرده, چادر, روپوش, روبند, آنچه با آن چيزى را بپوشانند.3

2 ـ پرده حايل ميان قلب و شكم.

3 ـ به غروب خورشيد در تاريكى نيز, در حجاب قرار گرفتن تعبير شده است.4

اما به كار گرفتن كلمه (حجاب) در خصوص پوشش بانوان, يك اصطلاح تازه و جديد است.

فقهاى اسلام در كتاب هاى فقهى خود از واژگان (ستر) و (ساتر) استفاده كرده اند. و آن را بر دو تقسيم مى دانند:

1 ـ پوششى كه ذاتاً واجب است; مانند پوشيده نگاه داشتن شرمگاه ها از ديد مردان و زنان ديگر, بلكه كودكان مميز و اهل تشخيص, به جز همسر.

2 ـ پوشش در حال نماز; واجب است بانوان در هنگام نماز, تمام بدن حتى سر و موى خود را بپوشانند; ولى پوشاندن دست ها تا مچ, پاها تا مچ و گردى صورت به مقدارى كه در وضو شسته مى شود, لازم نيست.5

دلايل وجوب حجاب

مراجع عظام و عالمان اسلامى براى وجوب پوشش بانوان به قرآن, سنت پيامبر(ص), روايات معصومان &و سيره زنان مسلمان (سيره مسلمين) استناد كرده اند كه به مواردى از آنها اشاره مى كنيم:

الف ـ حجاب در قرآن

1 ـ (قل للمؤمنين يغضّوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك ازكى لهم ان الله خبير بما يصنعون;6 به مردان مؤمن بگو: چشمانشان را (از نگاه به نامحرمان) فرو گيرند و كانون عفت خويش را حفاظت نمايند. اين عمل براى آنها پاكيزه تر است. تحقيقاً خداوند به آنچه انجام مى دهيد, آگاه است. )

انسان, مقدس تر و پاك تر از اين است كه درباره شرمگاه ها بينديشد, چرا كه نگاه به موضع حرام, باعث تفكر مى شود. بر اين اساس, بعضى معتقدند مراد از اين فراز آيه (يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم), ستر عورت است; يعنى بر مرد و زن واجب است عورت خود را از يكديگر بپوشانند, اما ما تقريباً جزم داريم كه (يغضوا من ابصارهم) اختصاص به نظر به عورت ندارد, بلكه شايد بيشتر اختصاص به نظر به غير عورت داشته باشد; بنابر اين ممكن است مقصود آيه, حفظ شرمگاه ها و نگاه به آنها هر دو مورد توجه باشد.7 چون چشم چرانى و نگاه به نامحرمان از آفات مهم ايمان است و غالباً مردان گرفتارآن هستند و زنان نيز تشويق مى شوند.

در ادامه آيه, به ضرورت حجاب زن پرداخته و مى فرمايد: (و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن ّ و يحفظن فروجهن و لا يبدين زينتهن ّ الا ما ظهر منها و ليضربن بخمرهن ّ على جيوبهن و لا يبدين زينتهن ّ الا لبعولتهن ّ… ;8 به بانوان با ايمان بگو: چشم هاى خود را از نگاه به اجنبى فرو پوشند و دامن خويش را (از آلودگى) پاك نگه دارند و زينت و جمال خود را جز آنچه كه به طور طبيعى نمايان است, از نامحرمان بپوشانند. و مقنعه و روسرى خويش را بر روى سينه ها افكنند و زينت و مواضع زيبايى ها را جز براى شوهران خود نمايان نسازند و…. )

مطابق آيه, زن نبايد زينت خود را ظاهر سازد, مگر در دو مورد: يك استثنا در مورد خود زينت است, يعنى مگر بعضى از زينت ها و به تعبير قرآن, زينت ظاهر, و استثناى دوم در مورد افراد است; يعنى و مگر براى بعضى از طبقات كه غير شوهر او هستند; مانند پدر پسر, برادرزادگان, خواهرزادگان, فرزندان شوهر و چند طبقه ديگر. 9

2 ـ (يا ايّها النبى قل لازواجك و بناتك و نساء المؤمنين يدنين عليهن ّ من جلابيبهن ّ10 ذلك ادنى ان يعرفن فلا يؤذين;11 اى پيامبر! به همسران و دخترانت و زن هاى مؤمنان بگو كه چادر خويش را بر خود فرو پوشند. اين كمترين چيزى است تا به عفت شناخته شوند و از تعرض و آزار افراد هوسران محفوظ بمانند. )

شأن نزول آيه

اگر به شأن نزول آيات سوره نور توجه كنيم, فلسفه حجاب به طور كامل روشن مى شود.

ابن مرويه از حضرت على(ع) بازگو مى سازد: (جوانى از انصار در مسير راه, با زنى روبرو گرديد كه مقنعه خود را پشت گوش هايش انداخته و قسمتى از گردن و سينه هاى خود را نمايان ساخته بود. همين طور كه با چشمانش زينت ها و گام هايش را بدرقه مى كرد, ناگهان صورتش به استخوان بر آمده از ديوار اصابت كرد و خون جارى شد. جوان سوگند ياد كرد با همين وضع خدمت رسول خدا شرفياب شده, موضوع را بازگو نمايد. تا چشم پيامبر به جوان افتاد, متأثر شد و فرمود: اين پاداش گناه توست, و بى درنگ اين آيه نازل گرديد.)12

قرآن در آيه 30 اين سوره, مردان را از چشم چرانى نهى مى كند و در آيه 31, زنان را از نگاه و عدم رعايت حجاب كامل بر حذر مى دارد, چون مى خواهد هم زنان را از بهره كشى مردان از راه چشم و گوش و قوه لامسه باز دارد و هم آنان را از مسابقه پايان ناپذير در نشان دادن اندام, عشوه گرى ها, طنازى ها, آرايشگرى ها مانع شود تا در نتيجه آن, هوس رانى, تجدد طلبى و نوخواهى را در نهاد مردها زنده نسازند و سرنوشت خود را به فلاكت نيندازند. وانگهى دامن زدن به شهوات و هوس هاى خفته مردها, در واقع افروختن و شعله ور ساختن آتشى است كه نوعاً زن ها در آن خواهند سوخت و يا به ابتذال و سقوط شخصيت آنان منجر خواهد گرديد.

ب) حجاب از نظر روايات

روايات فراوانى در باره وجوب پوشش از ائمه معصومين& نقل شده است, كه ما فقط به يك نمونه بسنده مى كنيم.

فضيل در حديثى از امام مصعوم(ع) پرسيد: آيا بازوهاى بانوان از زينت هايى است كه خداوند متعال پوشاندن آن را واجب دانسته و فرموده است: زن نبايد زينت خود را جز براى همسران و ساير محارم ظاهر سازد؟ فرمود: بلى. 13

فلسفه حجاب

پوشش بانوان در اسلام, يك اصل تعبدى نيست, بلكه مصلحت ها و حكمت هايى دارد; از جمله:

1 ـ زن مانند مرد, حوايج و نيازمندى هايى دارد كه براى تأمين آن, ناگزير بايد از محيط خانه خارج گردد تا بتواند آنها را فراهم سازد. در كتاب هاى فقهى و حديثى, خروج زن با اذن شوهر براى تأمين حوايج و شركت در نمازهاى عيد فطر, عيد قربان, نماز جمعه و جماعت, تجويز شده است; پس حجاب براى خروج زن از محيط خانه, تشريع گرديده است.

2 ـ شركت زن در فعاليت هاى عبادى, سياسى و اجتماعى و دفاع از حقوق شخصى, تعليم و تعلّم. در اين صورت رعايت حجاب واجب مى شود تا كام يابى ها منحصر در محيط خانه شود و محيط خارج تنها براى كار و فعاليت باشد.

3 ـ احساس امنيت روحى و حراست آنان از خطرات احتمالى و بيماران جنسى و عناصر لا ابالى. پناه بردن برخى از دختران سفيد پوست غربى به سياه پوستان, علاوه بر قدرت جنسى بيشتر, به دليل قدرت جسمى و دفاعى آنان است.

4 ـ حجاب, عامل خودسازى و تهذيب نفس است, چرا كه زنان را از خود آرايى, طنازى, خودنمايى و صيادى باز مى دارد.

5 ـ حفظ نظام خانوادگى و علايق زوجيت, بستگى تام به پوشش بانوان دارد.

ارزش حجاب

امام خمينى (ره) در باره ارزش حجاب مى فرمايد: (حجاب اسلامى يعنى حجاب وقار, حجاب شخصيت, ساخته من فقيه نيست; اين نص صريح قرآن است. آن قدرى كه قرآن مجيد بيان كرده, نه ما مى توانيم از آن حدود (محدوده) خارج شويم و نه زنانى كه معتقد به اين كتاب بزرگ آسمانى هستند. )14

بايد به دنيا تفهيم كنيم كه دست يابى به مدارج علمى به معناى پشت كردن به مفاهيم ارزشى دينى و رويكرد به مظاهر فريباى تمدن غربى نمى باشد.

از اين جا روشن مى شود كه چرا فرانسه در ممنوعيت تحصيل دختران با حجاب اسلامى در دانشگاه ها پيشگام شده است, چون نقش آن را در پيروزى الجزاير چشيده است.

فرانس فانون مى نويسد: (هر چادرى كه دور انداخته مى شود, افق جديدى را كه بر استعمارگران ممنوع بود, در برابر او مى گشايد و بدن زن الجزايرى را كه عريان شده است, به او نشان مى دهد و پس از ديدن هر چهره بى حجابى, اميدهاى حمله ور شدن اشغال گران ده برابر مى گردد. هر بار كه يك زن كشف حجاب مى كند, در واقع وجود جامعه الجزايرى را بر سيستم دفاعى سست بنياد, باز و متلاشى شده به اشغال گران اعلام مى دارد. )15

بنابر اين, حجاب, پاسخى است به نداى فطرت, نشانِ تمدن و فرهنگ اسلامى است, فزونى بخش حرمت زنان و مايه سلامت جسم و آرامش روان جامعه است.

اسلام, طرفدار پرده نشينى نيست, اسلام مى خواهد زن در حضور مردهاى اجنبى, بدن خود را بپوشاند بدون آن كه مجبور باشد از اجتماع كناره گيرى كند. رعايت پوشش اسلامى در قالب دو اصل (پوشيدگى) و (سادگى), آثار و نتايج مهمى از لحاظ فردى و اجتماعى در بر دارد.

در مخزن شرف, گهرى جز حجاب نيست

شمشير ديده را سپرى جز حجاب نيست

اى ملتى كه يك سره در خواب غفلتيد

در كاستن ز فرّ نياكان شتاب چيست؟

پى نوشت ها:

1ـ تاريخ تمدن, ج 1, ص 233; براى مطالعه بيشتر, به كتاب مسئله حجاب شهيد مطهرى مراجعه شود.

2ـ احزاب (33) آيه 53.

3ـ المنجد, ماده (حجب) و فرهنگ عميد, واژه حجاب.

4ـ عروة الوثقى, ج 1, ص 414.

5ـ همان.

6ـ نور (24)آيه 30.

7ـ مرتضى مطهرى, آشنايى با قرآن, ج 4, ص 82 ـ 84, با تلخيص.

8ـ همان, آيه 31.

9ـ مرتضى مطهرى, همان, ص 90.

10ـ جلباب, پيراهن يا جامه گشاد شبيه چادر و عباى عربى را گويند; المنجد, ماده جلباب.

11ـ احزاب (33) آيه 59.

12ـ الدر المنثور, ج 5, ص 40.

13ـ وسائل الشيعه, ج 20, ص 200 ـ 201.

14ـ زن از ديدگاه امام خمينى, ص 147.

15ـ انقلاب الجزاير, ص 210.